

خبر



۸ مجروح در ۴ تصادف

۴ تصادف در محورهای جاده ای استان طی ۲۴ ساعت منتهی به ظهر شنبه، ۸ مجروح به جا گذاشت. به گزارش پلیس راه خراسان شمالی، در پی اعلام چند فقره تصادف در محورهای جاده ای استان بلافاصله کارشناسان پلیس راه به همراه عوامل امدادی به محل های مورد نظر اعزام شدند. این تصادفات در محورهای فاروج، آشخانه و بجنورد به وقوع پیوست. در اثر این تصادفات ۸ نفر به شدت مجروح و توسط عوامل امدادی به مراکز درمانی منتقل شدند. کارشناسان پلیس راه علت عمده وقوع این حوادث را عدم توجه به جلو و رعایت سرعت مطمئنه اعلام کردند. سرهنگ «حسین زاده» رئیس پلیس راه استان با اشاره به این که تمام محورهای استان لغزنده است، گفت: در محورهای اسفراین، چمن بید، شیروان و رازو جرگلان شاهد بارش باران، در محور جوزک - بجنورد شاهد بارش خفیف برف و در محور امین... و پلمیس شاهد بارش برف هستیم و از رانندگان انتظار می رود رعایت سرعت مطمئنه و پرهیز از شتابزدگی در رانندگی را همواره مدنظر قرار دهند.

حادثه در شهر

سارقان گوسفندان فرار را بر قرار ترجیح دادند

صدیقی- سارقاتی بعد از سرقت گوسفندان یک آغل، زمانی که در حاشیه شهر مشغول چرای آن ها بودند تا همدستان شان با خودرو از راه برسند با هوشیاری یک دامدار دست شان رو شد. دو سارق که پشت خانه یک دامدار مشغول چرای گوسفندان سرقتی بودند با رو به رو شدن با صاحب خانه، گوسفندان را رها کردند و به سرعت ناپدید شدند. یکی از شاهدان که خودش هم مال باخته بود مدعی شد: سارقان قبل از این ماجرا به گوسفندان وی دستبرد زده بودند. وی گفت: بعد از سرقت تعدادی از گوسفندانم اکثر شب ها اطراف آغل پرسه می زدم تا مبادا سرقتی رخ دهد. این ماجرا ادامه داشت تا این که نیمه های یک شب زمانی که از خانه خارج شدم تا گشتی در اطراف آغل بزنم با یک گله گوسفند رو به رو شدم و دو نفر در حال چرای آن ها بودند. وقتی به دو چوپان نزدیک شدم تا علت چرای گوسفندان را در آن وقت از شب جويا شوم در کمال تعجب آن دو گوسفندان را رها کردند و به سرعت پا به فرار گذاشتند. با دیدن این صحنه به موضوع مشکوک شدم و زمانی که گوسفندان را چک کردم دیدم آن ها متعلق به یکی از دوستانم هستند. بعد از این اتفاق سریع با صاحب گوسفندان تماس گرفتم و ماجرا را برایش تعریف کردم اما از آن جایی که با او زیاد شوخی می کردم فکر کرد او را سر کار می گذارم. بعد از چند بار تماس با دوستم بالاخره متقاعد شد که موضوع شوخی نیست. دوستم بعد از چک کردن آغل وقتی دید سارقان طوله اش را به اصطلاح جارو کرده اند هراسان خودش را به من رساند و گوسفندانش را تحویل گرفت.

صدیقی

مدتی است سارقان خشن به بعضی از خانه های اهالی جاجرم دستبرد می زنند و در آخرین اقدام مجرمانه شان بعد از ورود به خانه یک زن میان سال ، طلا و جواهراتش را به سرقت بردند و از محل متواری شدند. به گزارش خبرنگار ما، یکی از شهروندان جاجرمی در تماس با تحریریه روزنامه خراسان شمالی مدعی شد: مدتی است سارقان نقاب دار در یک زمان خاص وارد خانه آن ها می شوند و دست به اعمال مجرمانه می زنند و این امر بر خورد قاطع پلیس و قانون را با هنجار شکنان می طلبد.

یکی از مال باختگان گرمه ای نیز مدعی شد که او هم به این روش مورد دستبرد سارقان قرار گرفته است. وی گفت: شبی که مشغول اقامه نماز مغرب و عشا بودم ناگهان دو فرد نقاب دار وارد خانه ام شدند و با زور و تهدید طلا و جواهراتم را که نزدیک به ۱۰۰ میلیون تومان بود به سرقت بردند.

دادستان جاجرم با تایید وقوع دو مورد سرقت منجر به آزار در این شهرستان گفت: طی کمتر از دو هفته اخیر دو مورد سرقت منجر به آزار مال باختگان جاجرمی گزارش شده است. «فیروز جایی» افزود: با توجه به

شواهد و اظهارات شاکیان به احتمال بسیار این دو فقره سرقت از سوی یک گروه دوفقره رخ داده است. وی خاطرنشان کرد: سارقان پس از شناسایی منازلی که یک زن تنها در آن ها حضور دارد با پوشاندن سر و صورتشان در یک بازه زمانی خاص وارد منازل شدند و به

استقبال از خریدار طوطی با چوب و چماق

پسر جوان با شنیدن این جملات آشفته شد و شروع به ناسزاگویی کرد و بعد از آن با مشت و چماق به جانم افتاد. بعد از درگیری همسایه ها به کمک من آمدند و پسر عصبانی را آرام کردند و بعد از آن تازه متوجه اصل داستان شدم. اسم مادر پسر ضارب هم نام اسم پرنده رفتم. زمانی که در حاشیه شهر مقابل خانه پرنده فروش رسیدیم راننده مرا پیاده کرد و از محل دور شد. من بی خبر از همه جا زنگ خانه را به صدا درآوردم و بعد از چند لحظه پسری جلوی در آمد و بدون مقدمه به و مرا به یاد کتک گرفته بود. اعتماد بی جايم به یک فرد متقلب باعث شد که این اتفاق عجیب و غریب برایم رخ دهد و دچار دردسر شوم و از همه بدتر کتک هم بخورم.

دستان اوست چون فروشنده ای را می شناسد که یک طوطی سخنگوی خوش زبان و در عین حال پرحرف دارد و حاضر است با قیمت مناسبی آن را بفروشد. من هم بدون توجه به قصد و نیت راننده، حرف هایش را باور کردم و با خوشحالی به سمت خانه صاحب پرنده رفتم. زمانی که در حاشیه شهر مقابل خانه پرنده فروش رسیدیم راننده مرا پیاده کرد و از محل دور شد. من بی خبر از همه جا زنگ خانه را به صدا درآوردم و بعد از چند لحظه پسری جلوی در آمد و بدون مقدمه به و مرا به یاد کتک گرفته بود. اعتماد بی جايم به یک فرد متقلب باعث شد که این اتفاق عجیب و غریب برایم رخ دهد و دچار دردسر شوم و از همه بدتر کتک هم بخورم.

قدرت شایعه

وقتی که ازدواج کردم سن کمی داشتم. به ازدواج نه تمایل چندانی داشتم و نه آن چنان بی رغبت بودم اما سعی می کردم حرف بزرگ تر ها را برای داشتن روابط خوب با همسرم گوش و به آن ها عمل کنم. کم کم رابطه ام با همسرم خوب شد. صاحب فرزند شدیم و این رابطه محکم تر شد. خداوند سه فرزند زیبا و سالم به ما عنایت کرد. همه چیز عالی بود. من و همسرم از زندگی مان راضی بودیم، روزها یکی پس از دیگری سپری می شد. زندگی مان قطعاً بی مشکل نبود اما مشکلات قابل حل بود تا این که یک روز متوجه پیام و نگاه های بد مردم شدم و بعد خبردار شدم که ظاهراً بدون این که بدانم کار نادرستی انجام داده ام.

دچار شک شدم و حیران بودم. یعنی چه شده بود؟ خبر مشکل داشتن من چنان پخش شده بود که حقیقی به نظر می آمد. همسر و خانواده ام نمی توانستند سرشان را بلند کنند. حتی خودم هم باورم شده بود که خطایی از من سر زده است. یک چشمم اشک بود و یک چشمم خون. زندگی به کامم زهر شده بود. آخر چرا؟ چه شده بود؟ چرا باید زندگی آرامم با چنین موج مخربی به پایان می رسید؟

آن قدر اشک ریختم و از خودم سوال کردم تا گوشه گیر و افسرده شدم. زندگی ام داشت از هم می یاشید. یک شایعه و تهمت تنه ها به من، حتی به فرزندانم نیز آسیب وارد کرد آن هم به خاطر قدرت نفوذش نه تنها در افراد ساده لوح بلکه در افرادی که ادعای فهم و شعور و کمالات داشتند و این بیشتر درد داشت.

هر روز بدتر از روز قبل می شدم تا این که تصمیم به خودکشی گرفتم. مادرم با دیدن حال خراب من، مرا برای درمان نزد روان شناس برد و در آن جا به قدری حالم خوب بود که دوست داشتم زمان به عقب برمی گشت تا عاقلانه و با دیدی بهتر به مسائل بنگرم.

حالا من می دانم کسی که دنبال درست کردن شایعه است فردی است با یک دنیا اختلال؛ فردی است دچار عقده های حقارت؛ فردی حسود که چون لیاقت به دست آوردن خوشبختی را ندارد چشم دیدن آرامش دیگران را نیز ندارد. او فردی است با اختلال توهم که داستان های پوچ و بی اساس می بافت و در ذهنش به آن ها پر و بال می دهد و آن چنان آن ها را تعریف می کند که کسی جز آن داستان ها را باور نمی کند. حال اگر این فرد از تو چیزی خواسته باشد و دست رد به سینه اش زده باشی شایعات و تهمت هایی که برایت می سازد شدیدتر خواهد بود. بعد از این حواسم خواهد بود وقتی دوباره شایعه برایم درست کردند خوشحال باشم و سرم را بالا بگیرم و به خودم ببالم از این که نور خوشبختی من چشم انسان های حسود را کور کرده و می دانم تنها یک فرد که دنیایی از اختلالات روانی دارد می تواند شایعه بسازد و شایعه پراکنی کند.

«سیده سمیه خلیلی» روان شناس بالینی

شرکت گیتی نامی ۷ گیاه

فروش نهال گل محمدی، نهال زرشک، نهال عذاب مناسب برای زمینهای دیم. کم آب

فروش پیاز زعفران - فرید و فروش گیاهان دارویی

مشاوره برای امدات گلستان گل و باغ زرشک و عذاب

www.7giyah.ir

@ gitinami7giyah



صانعی

۰۹۳۶۰۰۵۶۴۷۲

آدرس: بجنورد طالقانی شرقی - چهارراه پارک شهر جنب پیتزا کندز

هیچ
شعبه
ویگری
ندارد

درب های اتوماتیک

برقی کردن
کرکره های
قدیمی

پار

به مکان جدید منتقل شد



کرکره اتومات، جک پارکینگی، شیشه اتومات، قفل برق، آرام بند و اعلام حریق

دفتر فروش: بجنورد/ نبش چهارراه آزادی

تلفن تماس: ۰۴ ۸۸ ۲۲۱ ۰۵۸۳ - ۰۶۳ ۰۲ ۱۸۶ ۰۹۱۵

۰۹۷۱۲۴۰۷۱